

# صله ارحام در قرآن مجید

از مطالعه قوانین و دستورات مربوط به خانواده و قوانینی راجع به جامعه و مسائل اجتماعی اسلام، این اصل مهم زیربنائی استفاده می گردد که اسلام می خواهد الفت و انس و اتحاد و وحدت و یکپارچگی در میان امت اسلامی برقرار گردد و مسلمانان از عناد و کینه و عداوت و انتقام و قطع روابط با یکدیگر، پرهیز کنند این اصل مثل سایر اصول مسلم عقلانی و وجدانی، معیار و ملاک تشریح اکثر قوانین و دستورات اسلام بشمار می رود زیرا در غیر این صورت امت اسلامی صلابت و استحکام و قوت و قدرت لازم خود را از دست داده از هم می پاشند و در این صورت نه تنها قوانین و دستورات آسمانی قابل پیاده شدن نیست بلکه لقمه چرب و نرم برای دشمنان اسلام و مایه تسلط آنها بر جامعه مسلمین می گردد.

از اینرو ملاحظه می کنیم که اسلام قطع روابط معقول و متداول بین خویشاوندان را شدیداً نهی و در مقابل ضرورت ارتباط و وابستگی خویشاوندان را بهمدیگر به عنوان " صله رحم " متذکر شده و آنرا امری الزامی برای هر مسلمانی قرار داده است چنانچه پیشوایان اسلامی ما قطع روابط خویشاوندی و بریدن قامیل از همدیگر را گناه کبیره بشمار آورده اند و در قرآن نیز وعده آتش و عذاب الهی بر آن داده شده و مورد لعن و نفرت پروردگار واقع شده است.

لحن قرآن در خدمت قاطع رحم بسیار محکم و تند است و می رساند که

مساله بسیار مهم و دارای مضار زیادی است و در مقابل پیوستگی افراد فامیل با یکدیگر بسیار با ارزش و دارای مصالحی است.

در قرآن در سه سوره بصراحت از قطع روابط خویشاوندی نام برده شده و قطع رحم را به شدت نهی و قاطع رحم را ملعون و دوزخ رحمت الهی قلمداد کرده است.

یکی در سوره بقره آیه / ۲۵ است که می فرماید:

"والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون" "کسانیکه عهد الهی را پس از بستن پیمان، می شکنند و آن چیزی را که خداوند امر به پیوستن آن کرده است می برند ( و قطع رحم می کنند) و در روی زمین فساد می کنند ایشان زیانکارانند" در این آیه چند مطلب جالب قابل ذکر در خصوص "صله" رحم " و قطع رحم" ذکر شده است.

اول اینکه پیوند خویشاوندی در حقیقت یک میثاق تکوینی بین افراد قبیله و عشیره و افراد فامیل است مثل اینکه همه افراد فامیل با زبان تکوین با همدیگر هم پیمان شده اند که پیوندشان را قطع نکنند و با همدیگر الفت داشته باشند و از عداوت و کینه و عناد نسبت بیکدیگر دوری کنند. و قطع رحم بمنزله شکستن این پیمان تکوینی می باشد.

دوم اینکه این پیمان مورد دستور الهی نیز قرار دارد یعنی این پیمان، پیمان تشریحی نیز می باشد و امر و فرمان خداوند بهمه افراد فامیل و خویشاوندان متوجه است که کاری نکنند که رشته الفت و محبت و صمیمیت بین خود را پاره کنند که این، یک سنت لایتغیر الهی بشمار می رود.

سوم اینکه قطع کنندگان رشته های خویشاوندی و عدم تعهد بر اصول آن بعنوان یک نوع فساد خانوادگی و اجتماعی بشمار می آید و قاطع رحم و زیر پا گذارنده اصول خویشاوندی و پیوند رحمی یک نوع مفسد فی الارض بشمار می آید. آری آیه " و یفسدون فی الارض" چه اندازه گویا و جالب و لحن آن بسیار تند و شکننده است تا آنجا که قاطع رحم را بعنوان "مفسد در روی زمین" به شمار آورده است یعنی تنها در میان خانواده و عشیره و قوم، فساد مرتکب شده و اصلی را از اصول مهم و با ارزش اسلامی را زیر پا گذارده بلکه در سطح زمین

میان جامعه مرتکب فساد شده است.  
 و از اینجا رابطه مستقیم یک خانواده و یک عشیره و قوم با سایر اقوام بلکه با انسان های روی زمین از دیدگاه اسلام معلوم و مشخص می گردد.  
 چهارم این آیه قطع کنندگان روابط خویشاوندی را یک زیان و ضرر و خسران بشمار آورده است نه خسروانی شخصی و خانوادگی و اجتماعی بلکه انسانی، در دنیا و آخرت زیرا قطع پیوند خویشاوندی افراد فامیل بلکه جامعه از خیر و برکت وجودی و علمی و سایر برکات محروم می سازد و مثل این است که در بوستانها و باغ ها، انواع میوه های قابل استفاده وجود داشته باشد و بدون استفاده باقی مانده فاسد و ضایع گردند این، زیان بزرگی است که متوجه اقوام و عشیره و افراد فامیل و در نتیجه جوامع بشری می گردد.

آیه دوم در سوره رعد / ۲۶ می فرماید:

والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امرالله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنه و لهم سوء الدار"  
 " آنانکه پیمان خدا را پس از محکم شدن می شکنند و می برند آنچه را که خدا به پیوند آن امر فرمودند و در زمین فساد می کنند، برایشان لعنت و محرومیت از رحمت خدا است و برای ایشان جایگاه بدی است ( یعنی جایشان در دوزخ است).

این آیه با آیه قبلی در دو حکم مشترک هستند و آن دو این است که پیوند فامیلی و عشیره ای و باصطلاح پیوند رحمی یک نوع پیوند تکوینی و هم تشریحی است و قطع روابط بین افراد فامیل بمنزله فسادی است که در روی زمین واقع می گردد.

علاوه براین دو حکم، این آیه بر دو مطلب دیگری نیز دلالت دارد که از صراحت آیه قبلی استفاده نمی شد:

اول اینکه این گونه افراد مورد لعنت خدا هستند یعنی از رحمت خدا بدورند.  
 دوم اینکه جایگاهشان دوزخ است.

بدیهی است که دور بودن از رحمت الهی و جهنمی بودن گرچه لازم و ملزوم یکدیگر می باشند ولیکن بمنزله این است که لامپ های پرنوری که تمام قوام آنها در رابطه بودن با مبداء نور یعنی کارخانه است رابطه خود را با مبداء و منشاء

خوبش قطع کنند این چه قدر ضایعه آفرین و باعث خاموش شدن نور وجود می‌گردد و این بالاترین ضروری است که متوجه یک انسانی می‌شود که رابطه خود را با خالقش و صانعش یعنی همه چیز او قطع گردد و مورد رحمت الهی قرار نگیرد. از این عبارت مذمت و نکوهش شدید قطع رحم واضح می‌گردد.



آیه سوم در سوره محمد آیه ۲۴ و ۲۵ می‌فرماید:

"فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض وتقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله فاصمهم واعمی ابصارهم" آیا از شما توقع است و غریب و بعید نیست که اگر متولی امور مردم شوید در زمین فساد کنید و از خویشان خود بپرید آن گروه مفسد و قاطع رحم کسانی است که خدای تعالی آنها را از رحمت خود دور کرده و کر و چشمانشان را کور فرموده است.

از این آیه برخی از مطالبی که از دو آیه سابق استفاده می‌شد استفاده می‌شود از جمله دوری از رحمت خدا و مورد لعنت خدا بودن و دیگری فساد در روی زمین کردن و لکن در این آیه دو عامل مهم قابل ذکری که در رابطه با قطع رحم و آثار آن اهمیت زیادی دارد ذکر شده که در دو آیه سابق ذکر نشده است. یکی اینکه این آیه یکی از علل و عوامل قطع رابطه با خویشاوندان را ذکر می‌کند که بسیار جالب است و آن اینکه غالبا منشاء قطع رابطه خویشاوندی اختلاف در رتبه و یا نوع کار و وظیفه بوده باعث گسستن پیوند خویشاوندی می‌گردد مثلا یکی از افراد فامیل دارای مقام شده و قدرت بدست آورده و از افراد دیگر بی‌نیاز است و افراد فامیل باو نیازمندند همین عدم موازنه در قدرت و وظیفه و نوع تکلیف باعث این می‌شود که قدرتمند یا شخص غنی دارای نفوذ، دچار یک نوع تکبر و عجب گردیده سب طغیان او می‌شود و در نتیجه فساد در روی زمین انجام می‌گیرد و پایه افراد فامیل و آشنای خود گاهی نه تنها اعتنا نمی‌کنند بلکه بر آنها طعن می‌زند و آنها را تحقیر و احياناً تحت فشار قرار می‌دهد این نیز باعث بهم خوردن روابط دوستانه خویشاوندی می‌گردد.

از جمله "ان تولیتم" این معنای دقیق روانی و خانوادگی بروشنی قابل استفاده است.

دیگر اینکه قاطع رحم قبل از قطع پیوند خویشاوندی وضعیت خاصی بر او

حکم است و این وضعیت شبیه یک نوع بیماری روانی است که او بآن دچار است و گرنه هیچ انسان سالم و عاقل و فهمیده ای بخود این اجازه را نمی دهد که از طیف فامیل خود که سالیان متمادی محل نشو و نماى او بوده و با آنها زندگی کرده و همه چیز آنها بهم آمیخته است و از طفولیت و جوانی در این محیط بزرگ شده و از امکانات فعلی و بالقوه آن بهره مند گردیده است و از کسانی که چه بسا او را از طفولیت تربیت کرده اند و هنگامیکه او عاجز بود و نیاز یکمک داشته باو رسیده اند و چه بسا او را مورد لطف و محبت قرار داده اند حال که قدرت یافته و بی نیاز گشته و افراد فامیل باو نیازمند شده اند از آنها ببرد و کناره گیری کند و با حیوانات آنرا را آزار دهد و بجای تامین رفاه و کمک به بهبودی زندگی، آنها را در مضیقه و فشار قرار دهد آیا این کمال بی انصافی و بی وجدانی نیست؟ و آیا طبع انسان سالم این وضعیت را می پذیرد؟

پس ناچار صاحب این وضعیت، کمبودی در نفس او وجود دارد و احیاناً دچار انحراف و یک نوع بیماری روانی گردیده است که او را کر و کور ساخته است و واقعیات را نمی بیند و ندای عقل را نمی شنود.

آیه مزبور چه زیبا می فرماید " فاصمهم و اعمی ابصارهم " خداوند آنها را در اثر عدم تعقل و عمل نکردن بوظایف وجدانی و طبیعی خود، کر و چشمانشان را کور کرده است.

معنای این آیه این نیست که گوش جسمی و چشمان ظاهری چنین کسانی معیوب است بلکه نه تنها معیوب نیست بلکه از سایرین نیز احیاناً بهتر می بینند و بهتر می شنوند و لکن گوش عقل و باطن و چشم نفس و عقل، درک خود را از دست داده اند و بیمارگشته دچار آفت می باشند.

### معنی صله رحم و قطع آن

سوالی در اینجا مطرح است و آن اینکه مراد از رحم که امر به صله آن شده و قطع آن حرام گشته عیب ها و دائره وسعت آن چه اندازه است؟ در پاسخ می گوئیم که در شریعت مقدس در آیات و روایات معتبر موجود، معنای خاصی برای رحم ذکر نشده است و در احادیث بعنوان " صله ارحام " و در قرآن

در سوره محمد / ۲۴ کلمه " ارحامکم " وارد شده است .

از این جا می فهمیم که این کلمه نیز مثل سایر کلمات عرفی ، معنای عرفی متداول خویش را دارا است یعنی شارع از رحم همان معنائی را قصد کرده است که عرف متداول مردم آن معنی را از این کلمه قصد می کنند .

ظاهر این است که معنای رحم ، همان معنای اقارب بمعنای خویشاوندانی که از طرف پدر یا مادر پیوند داشته باشد گرچه بچند واسطه باشد و هم چنین از طرف اولاد .

شاهد براین گفتار را نیز می توان از کلمات ائمه پیدا کرد مثلا عروه بن یزید از امام صادق (ع) از معنای این آیه والذین یصلون ما امرالله به ان یوصل ( سوره ۱۳ آیه ۲۴ ) " و کسانی که پیوندند آنها را که خدا امر به پیوندشان فرموده است " پرسید حضرت فرمود " هی قرابتک " یعنی صله رحم و پیوند با تمام خویشاوندان و اقارب می باشد خواه محرم باشد و یا نامحرم ، رابطه ای بینشان باشد یا نباشد .

البته بدیهی است که خویشاوند هر قدر ربه انسان نزدیکتر باشد وظیفه او در حفظ پیوند ، شدیدتر و لازمتر است و در حقیقت صله رحم مثل نور ، مقول به تشکیک است و در همه موارد آن یک نواخت و یا یک خاصیت نیست و مرحوم شهید ثانی در کتاب مسالک بعد از اعتراف به عرفی بودن معنای رحم به نکته بالا نیز اشاره کرده است .

#### بقیه از صفحه ۱۵

و به دیگر سخن امید به نزول قرآن به دو صورت متصور بود

الف - پیامبر از طریق مجاری عادی به نزول آن برخود امیدوار شود آیه وجود چنین امید را نفی می کند زیرا هیچ نوع جریان عادی بر نزول آن گواهی نمی داد .

ب - فضل و کرم خدا ، شامل حال پاک ترین بنده شود و او را با چنین نعمت بیوشاند ، امید از این طریق منفی نبود و پیامبر مطمئن بود که روزی رحمت حق شامل او می گردد و کتاب هدایت را در اختیار او می گذارد .